**اصول و قالبهای تدریس احکام (2)**

**بخش اول:اصول تدریس احکام (قسمت دوم)**

**نویسنده : موگهی، عبدالرحیم**

حق همی‏گوید چه آوردی مرا؟ اندر این مهلت که من دادم تو را؟ عمر خود در چه به پایان برده‏ای؟ قوت و قوّت در چه فانی کرده‏ای؟ گوهر دیده کجا فرسوده‏ای؟ پنج حس را در کجا پالوده‏ای؟ گوش و چشم و هوش و گوهرهای عرش‏ خرج کردی،چه خریدی تو ز فرش؟1

در شمارهء پیشین،یکی از اصول تدریس احکام،یعنی«آگاهی از نکته‏های فقهی»را بیان کردیم.اینک اصل دیگری در این زمینه را با شما در میان می‏نهیم:

##### تبیین ضرورت فراگیری احکام و تقلید در مسائل شرعی

چندی پیش در خدمت یکی از معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش و فرزندان ایشان بودم.به بنده فرمودند:«یکی از فرزندان‏ من به حد تکلیف رسیده و یکی دیگر از آنان در حال رسیدن به حد تکلیف است.اگر امکان دارد ضرورت تقلید و اهمیت فراگیری و به کارگیری احکام را برای آنان توضیح دهید تا به شناختی ژرفتر و باوری روشنتر نسبت به این مسأله دست یابند،زیرا یکی از سؤالات‏ دانش‏آموزان این است که چرا باید تقلید کنیم و مسائل شرعی و احکام را فرابگیریم».

در پاسخ به این پرسش عرض کردم:هر انسانی نیازمند است و برای برآوردن نیازهای خود-چه نیازهای مادی و معنوی،و چه‏ نیازهای فردی و اجتماعی-روابطی را برقرار می‏کند،و این روابط بر چهار گونه است:

1.رابطهء انسان با خویشتن؛

2.رابطهء انسان با معبود؛

3.رابطهء انسان با دیگران؛

4.رابطهء انسان با طبیعت.

بیشتر این روابط و بویژه نوع سوم آن،از دو حالت تأثیرگذاری‏

#### اصول و قالبهای

و تأثیرپذیری خاصی برخوردارند به‏طوری که گاه این تأثیر و تأثّر به‏ حدی است که در علم فیزیک ثابت شده است حرکت دست انسان‏ حتی در کهکشانهای دور نیز تأثیر می‏گذارد.پس برای اینکه از هرگونه اختلال و نابسامانی در روابط انسانی جلوگیری و این‏گونه‏ روابط،بسامان و نظام‏مند شوند،باید ضوابط و قوانینی مبتنی بر «علم»و«حکمت»و فراتر از تنگنای عقده‏ها،عقیده‏ها،سلیقه‏ها، زمان و مکان بر این روابط حاکم شوند.و هرکس به این نتیجه دست‏ یابد که مرکب علم و عقل در این مسیر پرپیچ و خم و پرفراز و نشیب راهوار نیست و فقط تا حدی او را راهبر است،به«آموزه‏های‏ الهی و وحیانی»روی می‏آورد و از آن رهنمون می‏گیرد و خاستگاه‏ این ضوابط و قوانین را در آنجا می‏جوید و ره در این راه می‏پوید و هرگونه قوانین حرکات و سکنات خویش را در گستره‏ای به فراخنای‏ خاک تا افلاک و فرش تا عرش با مجموعه و منشوری به نام«احکام» ضابطه‏مند می‏کند،چرا که ضوابط حاکم بر روابط انسان الهی را چیزی جز«احکام»نمی‏داند.و با این بینش و نگرش،هرگونه ضابطه‏ در روابط فردی-اجتماعی و مادی-معنوی انسان الهی را از یک‏ «حکم فقهی و دینی»برخوردار و منتج می‏داند.

برای نمونه،در ضوابط حاکم بر«روابط انسان با خویشتن»، احکام فقهی خاصی-بدون در نظر گرفتن روایی یا ناروایی آن- می‏تواند در مسائل و موضوعات و ابعاد مختلف ذیل مطرح شود:

1.احکام اخلاقی(اخلاق فردی)مانند احکام خودبینی، خودستایی،خودپرستی،خودنمایی،خودآرایی،گوش دادن به‏ نوارهای ناشایست و نگاه کردن به فیلمهای نابایست در خلوت خود. 2.احکام هنری مانند احکام نواختن تار و گیتار،زدن سنتور و ....

##### تدریس احکام(2)

عبد الرحیم موگهی

تنبور،و کشیدن طرح و نقاشی و کاریکاتورهای خاص و فقط به‏ منظور هوای دل خویش و ارضای تمایلات درونی خود و انجام همهء اینها در عزلت خویشتن.

3.احکام ادبی مانند احکام سرودن یا خواندن اشعار و غزلیات‏ و قصاید خاص در خلسه و تنهایی خود.

در ضوابط حاکم بر«روابط انسان با معبود»،احکام فقهی‏ مختلفی در مسائل و موضوعات ذیل می‏تواند جریان یابد:

1.احکام عبادی مانند احکام نماز و حج.

2.احکام عرفانی مانند احکام ذکر گفتن،ریاضت کشیدن، پرداختن به سیروسلوک،پیروی از طریق و منش صوفیان و درویشان،و اطاعت محض از قطب و مرشد و پیر طریقت.

در ضوابط حاکم بر«روابط انسان با دیگران»،احکام فقهی‏ دیگری می‏تواند در ابعاد و امور ذیل مطرح شود:

1.احکام خانوادگی مانند احکام بی‏احترامی و ناسزاگویی به‏ همسر و فرزند،اطاعت نکردن از همسر در موارد شرعی،برداشتن‏ پول و اموال همسر بدون اجازت و رضایت او،دست بلند کردن‏ روی همسر و کتک زدن فرزند.

2.احکام اجتماعی مانند احکام دوستی و ارتباط با دیگران، سرکشی به خانهء مردم،شکستن شیشهء همسایه به وسیلهء فرزند،و کلاّ مسائلی که در برخورد انسان با اجتماع مورد بررسی قرار می‏گیرند.

3.احکام سیاسی مانند احکام روابط بین‏الملل و برقراری‏ ارتباط با دولتها،سیاستگذاری داخلی و خارجی،و ولایت فقیه. 4.احکام اقتصادی مانند احکام خریدوفروش،مضاربه، شراکت،ارز،سهام،سرمایه‏گذاریهای دولتی و خصوصی و خارجی،خمس و زکات.

5.احکام ورزشی مانند احکام شرطبندی در مسابقات،شطرنج،مشت‏زنی،حدود ورزش‏ بانوان و توهین به داوران و بازیگران.

6.احکام نظامی مانند احکام جنگ و جهاد، صلح و دفاع،و جلوگیری از تجاوز به مرزهای‏ زمینی،آبی و هوایی.

7.احکام حقوقی مانند احکام حرف زشت زدن به شاگردان و تنبیه کردن آنان.

8.احکام فرهنگی مانند احکام چاپ و نشر مطالب و کتابهای‏ ضد ارزشی،گوش دادن به رادیوهای بیگانه و پخش نوارها و فیلمهای غیر مجاز.

9.احکام اخلاقی(اخلاق اجتماعی)مانند احکام غیبت از مسؤولین،نقل خبرهایی که راست بودن آنها معلوم و تأیید نشده‏ است،و لاف‏زنی و خالی‏بندی و زیر پای دیگران را خالی کردن. 10.احکام تربیتی مانند احکام مریدسازی و مریدبازی،تربیت‏ دیگران بدون داشتن مطالعات تربیتی و تربیت کردن یک بعدی‏ انسانها.

در ضوابط حاکم بر«روابط انسان با طبیعت»،این احکام‏ می‏توانند مورد توجه باشند:

1.احکام بهداشتی مانند احکام آلوده نکردن آب‏وهوا،و حفظ بهداشت محیط زیست.

2.احکام کشاورزی مانند احکام قطع درختان و تخریب‏ جنگلها برای انجام امور کشاورزی.

3.احکام صنعتی مانند احکام استفاده از معادن بدون اجازه از دولت.

آنچه گفته شد،نمونه‏هایی از ضوابط و احکام حاکم بر روابط انسان است که در تمامی حرکات و سکنات او جاری و ساری و نشان‏دهندهء ضرورت فراگیری احکام و به‏کارگیری آن در همهء شؤون‏ زندگی است.و کسانی که نمی‏توانند در این زمینه اجتهاد یا احتیاط کنند،تقلید از مجتهد جامع الشرائط برای آنان ضرورت می‏یابد. چنانکه امام زمان(عج)می‏فرمایند:و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا.2

باری،بیان ضرورت فراگیری احکام و تقلید از مجتهد جامع الشرائط به زبانی آسان و با ذکر مثالهای فراوان و مبتنی بر منطق‏ استدلالیان و برای دانش‏آموزان،یکی دیگر از اصول مهم تدریس و آموزش احکام است که در این زمان و با این موج شبهات در میان‏ جوانان،باید مورد توجه جدی استادان و معلمان احکام قرار گیرد، زیرا بیان احکام بدون آن،شاید آب در هاون کوفتن و بدون هیچ‏ پژواکی در فضای ذهن دانش‏آموزان به فراموشی‏گراییدن باشد.

##### بخش دوم:قالبهای تدریس احکام(قسمت دوم)

در شمارهء پیشین نیز،یکی از قالبهای تدریس احکام،یعنی‏ «داستان»را ذکر کردیم.اینک یکی دیگر از آنها را بیان می‏کنیم:

##### شعر و سرود

از قالبهای بسیار مؤثر و جذاب در آموزش احکام،قالب«شعر و سرود»است که نگارندهء این واژگان،تأثیر و جاذبهء آن را در میان‏ دانش‏آموزان به تجربه دریافته است.

ارزش و اهمیت شعر بر کسی پوشیده نیست و برخی و یا حتی‏ بسیاری از ما این حدیث شریف را که از پیامبر محبوب خدا صلی الله‏ علیه و آله است،شنیده و یا خوانده‏ایم:

إنّ من الشّعر حکما[حکمة]3...

برخی از اشعار حکمت‏آمیز است.

حضرت امام خمینی قدس سره نیز در بیانی ژرف و زیبا می‏فرمایند:

«لسان شعر بالاترین لسان است‏4».ازاین‏رو،شایسته است از زبان شعر نیز در آموزش دروس و از جمله درس احکام استفاده کنیم. برای نمونه،شعرگونه‏ای آهنگین را دربارهء«وضو»که انجام آن

در سه وعدهء صبح و ظهر و شب سبب ایجاد فضایی با طراوت و لطافت برای دانش‏آموزان سنین پایین می‏شود در زیر می‏خوانید:

##### گل،گل،گل وضو

سلام سلام،آی بچه‏ها! سلامی از یک آشنا! سلامی گرم و با صفا! به روی خندان شما! دسته گلی آورده‏ام،از همه رنگ و زیبا! گلی به رنگ سفید،به رنگ زندگانی. گلی به رنگ آبی،به رنگ مهربانی. گلی به رنگ قرمز،به رنگ شادمانی. این دسته گل،مال شماست. برای دلهای شماست. شادابی صبح شماست. روشنی ظهر شماست. آرامش شب شماست. این دسته گل،گل وضوست؛ گلی قشنگ و خوشبوست؛ هدیه‏ای است از دوست؛ برای هرکه نیکوست.

همچنین یکی از دوستان شاعر،نظمی آهنگین و شعرگونه‏ دربارهء«احکام و چگونگی وضو»سروده‏اند که اینک آن را نیز می‏خوانید:

با نام خدا می‏گیرم وضو نیّت می‏کنم‏ از برای او دست و پاهایم‏ صورت و مویم‏ می‏کنم تمیز پیش از وضویم‏ گردی صورت‏ الآن می‏شویم‏ بالا به پایین‏ از زیر مویم‏ اکنون کار ما شستن دستهاست‏ اول،کدام دست‏ اول،دست راست‏ از روی آرنج‏ تا سر انگشت‏ می‏شویم با آب‏ یک مشت و دو مشت‏ مثل دست راست‏ دست چپم را بالا به پایین‏ می‏شویم حالا می‏کشم یک‏بار